

## آیا دختران عملگرایانه‌تر از پسران هستند؟ مقایسه سبک‌های عشق ورزشی در میان دانشجویان

دکتر غلامرضا رجبی\* ، قدرت اله عباسی ، دکتر رضا خجسته مهر

### چکیده

عشق یکی از موضوع‌های مهمی است که در چند دهه‌ی گذشته در روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده و فرایندی است که از راه آن انسان‌ها جذب هم دیگر می‌شوند. این مطالعه با هدف مقایسه سبک‌های عشق ورزشی در دانشجویان انجام گرفت. ۲۸۰ دانشجو از میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بر اساس جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند و مقیاس سبک‌های عشق ورزشی هندریک و همکاران را تکمیل نمودند. ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس رضایت بخش و ضریب روایی همگرا این مقیاس با مقیاس عشق پرشور هاتقیلد و اسپریچر معنی‌دار بود. آزمون t-test گروه‌های مستقل نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های عشق ورزشی پراگما و اگیپ تفاوت معنی‌دار وجود دارد (دختران در سبک عشق پراگما و پسران در سبک عشق اگیپ)، اما بین دو جنس در سبک‌های عشق اروس، لودوس، استورگ و مانیا تفاوتی مشاهده نشد.

**واژه‌های کلیدی:** عملگرایان، سبک‌های عشق ورزشی، دانشجویان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز.

- دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

\*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: E-mail: rajabireza@scu.ac.ir

## مقدمه

زندگی انسان از مراحل و چرخه‌های متفاوتی تشکیل شده است. یکی از مهمترین مراحل که نقش بسیار تعیین کننده‌ای در سرنوشت خانواده دارد، مرحله انتخاب همسر<sup>۱</sup> است در سراسر جهان، انتخاب همسر مهمترین تصمیمی است که اکثر انسان‌ها حداقل یک بار در زندگی‌شان می‌گیرند (خالد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). در میان تحقیقات گسترده‌ای که در رابطه با اولویت‌های همسرگزینی انجام شده است، یافته‌ها نشان می‌دهد که انتخاب همسر بر مبنای عوامل گوناگونی صورت می‌گیرد. یکی از دلایل تمایل به ازدواج عاملی به نام عشق<sup>۳</sup> است. در سوره روم، آیه ۲۱ خداوند کریم یکی از اهداف مهم ازدواج را ارضای نیاز به محبت، آرامش و تعادل روانی ذکر می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنار آنها آرام گیرید و میان شما مودت و دلسوزی به وجود آید (مصلحتی، ۱۳۸۳).

عشق یکی از موضوع‌های مهمی است که در چند دهه‌ی گذشته در روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده و فرایندی است که از راه آن انسان‌ها جذب هم دیگر می‌شوند و ممکن است به عنوان ترکیبی از دوستی و رابطه جنسی در نظر گرفته شود و امروزه در فرهنگ غرب به عنوان چارچوبی برای انتخاب شریک زندگی تعریف می‌شود (فولر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). بحث‌های انگیزشی و زیربنایی روابط بین شخصی معمولاً با گفته ارسطو که انسان حیوان اجتماعی است آغاز شده است. بیش از چهار دهه گذشته روانشناسی علاقه‌مندی خود را به روابط بین فردی از جمله روابط عاشقانه معطوف کرده است (دجیکیک و اوآتلی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). در آمریکا، کانادا و دیگر کشورهای غربی، عموماً اینگونه فرض می‌شود که دو نفر زمانی با هم ازدواج خواهند کرد که عاشق هم‌دیگر باشند (اسپریچر و تورو-مورن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). علاوه بر این، ادبیات روانشناسی اجتماعی در سال‌های اخیر ایده عشق رومانسیک را به عنوان عامل اصلی ایجاد انگیزه تشکیل خانواده در جامعه غرب می‌داند و بر این اساس دیدگاه همسرگزینی آزاد یعنی همسرگزینی بدون دخالت مستقیم خانواده و تنها بر اساس عشق و علاقه و امیال شخصی طرفین را مطرح کرده است (اعزازی، ۱۳۸۰). بعضی از فلاسفه نیز علت گرایش به جنس مخالف را عشق می‌دانند. افلاطون انسان را به گونه ذاتی دو جنسیتی می‌

<sup>1</sup> -mate-selection

<sup>2</sup> -Khallad

<sup>3</sup> -love

<sup>4</sup> -Fowler

<sup>5</sup> -Djikic, & Oatley

<sup>6</sup> -Sprecher, & Toro-Morn

داند؛ یعنی، هر فرد در عین حال هم خصلت مردانه و هم خصلت زنانه دارد. این افراد معتقدند که در درون زن و مرد یک گرایش به سوی جنس مخالف وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت عشق هم علت ازدواج است و هم معلول آن. عشق باعث ازدواج می‌شود و ازدواج نیز عاملی است که می‌تواند این نیاز را به طور طبیعی و متعادل ارضاء کند (مصلحتی، ۱۳۸۳).

در میان تعاریف متعددی که از عشق به عمل آمده است. هاتفیلد<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، بر گرفته از صادقی، (۱۳۸۴) با تاکید بر هیجان، عشق را تمایل شدید و مدت‌دار برای پیوند با دیگری و حالتی از برانگیختگی عمیق فیزیولوژیک تعریف می‌کند و معتقد است که عشق دوطرفه با خرسندی، رضایت خاطر، شور و شغف و عشق یک طرفه با احساس پوچی، اضطراب و یأس همراه است. به نظر او عشق در ابتدا یک برانگیختگی هیجانی- فیزیولوژیک است اما اجزاء شناختی و رفتاری نیز در آن وجود دارد. مولفه‌ی شناختی شامل افکار ناخوانده، اشتغال ذهنی داریم به فرد مورد علاقه، ایده‌ال ساختن او یا ایده‌ال ساختن ارتباط با او و آرزوی آشنایی با او می‌باشد. مولفه‌ی رفتاری شامل رفتارهای معطوف به حفظ نزدیک بودن فاصله مکانی، تاثیرگذاری بر عواطف، کنجکاوی و خدمت هرچه بیش‌تر به فرد مورد نظر می‌باشد.

دانشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی نظریه‌های زیادی در مورد عشق پیشنهاد کرده‌اند. الن برشاید<sup>۲</sup> و هاتفیلد (۱۹۶۹)، بر گرفته از آسیوید و آرون<sup>۳</sup>، (۲۰۰۹) تمایز بین دو نوع عشق پرشور<sup>۴</sup> پرشور<sup>۴</sup> و عشق دوستانه<sup>۵</sup> را پیشنهاد کردند. این نویسندگان عشق پرشور را یک حالت از اشتیاق شدید برای یکی شدن با دیگری می‌دانند، که با ویژگی‌هایی مانند شیفتگی، وسواسی بودن، افکار مزاحم، ناپایداری و خلق متغیر مشخص می‌شود. عشق دوستانه شدت و اشتیاق کمتری نسبت به عشق پرشور دارد و ترکیبی از دل‌بستگی، وفاداری، تعهد و صمیمیت می‌باشد و به دوستی عمیقی اشاره دارد که در فعالیت‌ها و علایق مشترک، سهیم می‌باشد و الزاماً به معنای میل علاقه جنسی نیست. دیدگاه‌های زیادی وجود دارد که معتقدند عشق پرشور به عشق دوستانه تبدیل می‌شود.

استرنبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۸۶)، بر گرفته از گریفین<sup>۷</sup>، (۲۰۰۶) نظریه مثلثی عشق را مطرح کرد. بر اساس این نظریه، عشق شامل سه مؤلفه صمیمیت<sup>۸</sup>، میل<sup>۱</sup> و تعهد<sup>۲</sup> می‌باشد. او صمیمیت را احساس

<sup>۱</sup>-Hatfield

<sup>۲</sup>-Berscheid

<sup>۳</sup>-Acevedo, & Aron

<sup>۴</sup>-passionate love

<sup>۵</sup>-companionship love

<sup>۶</sup>-Sternberg

<sup>۷</sup>-Griffin-

<sup>۸</sup>-intimacy

احساس نزدیکی و پیوند مشترک دو نفر در یک رابطه عاشقانه، میل را جاذبه جنسی و فیزیکی بین دو نفر و تعهد را تمایل به ماندن با یک شخص در طول زمان تعریف کرد، و دریافت که در فرایند چرخه‌ی زناشویی سطح صمیمیت و تعهد افزایش می‌یابد و از سطح میل کاسته می‌شود.

لی<sup>۲</sup> (۱۹۷۳، ۱۹۷۹؛ بلاس و هاهن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷) به گسترش و طبقه بندی عشق پرداخت که عبارتند از: اروس<sup>۵</sup> (عشق شهوانی) این سبک عشق به عنوان عشق شهوانی یا پرشور نامیده می‌شود که از راه جاذبه جسمانی آنی مشخص می‌شود. افراد با این نوع عشق، به عشق در اولین نگاه معتقدند و خواهان صمیمیت از جمله صمیمیت جنسی بلافاصله پس از شروع رابطه هستند. مانیا<sup>۶</sup> (عشق افراطی) یک سبک عشق وسواس گونه همراه با حسادت و شدت هیجانی زیاد می‌باشد. این افراد به سرعت و با شدت زیاد در برخورد با دیگران صمیمی می‌شوند. در روابطشان ناایمن بوده و نیازمند اطمینان در روابط می‌باشند. استورگ<sup>۷</sup> (عشق دوستانه) این نوع عشق یک عشق مبتنی بر همنشینی و دوستی پایدار می‌باشد. این نوع عشق از روابط دوستانه و صمیمی نشأت می‌گیرد. اگیپ<sup>۸</sup> (عشق الهی، یا عشق فارغ از خود) این نوع سبک عشق مبتنی بر نوع دوستی و بدون چشم داشت بوده و ایده‌آل‌تر از سایر سبک‌های عشق است. این افراد عشق‌شان را به دیگران با کمال خلوص اهدا می‌کنند و آن را نوعی وظیفه می‌دانند و انتظاری برای جبران آن ندارند. عشق لودوس<sup>۹</sup> (عشق بازیگرانه) افراد دارای این نوع سبک عشق کثرت‌گرا نسبت به شریک عاشقانه بوده و مشکلی در آشنایی با چند شریک در یک زمان ندارند. پراگما<sup>۱۰</sup> (عشق منطقی) افراد دارای این نوع سبک عشق واقع بین و عملگرایی بوده و در پی دسترسی به سازگاری در زمینه کیفیت‌های شخصی و اجتماعی می‌باشند و ملاک مهم در انتخاب شریک‌شان این است که آیا فرد مقابل‌شان در آینده پدر یا مادر خوبی برای فرزندان‌شان خواهد بود یا نه؟ (بلاس و هاهن، ۱۹۹۷).

بسیاری از نوشته‌های معروف معتقدند که زن و مرد از دو سیاره متفاوت با الگوهای رفتاری، احساس‌ها و شناخت‌های متفاوت در روابط می‌باشند. مطالعات گوناگون تفاوت بین مردان

<sup>1</sup>-passion

<sup>2</sup>-commitment

<sup>3</sup>-Lee's

<sup>4</sup>-Blass, & Hahn

<sup>5</sup>-Eros

<sup>6</sup>-Mania

<sup>7</sup>-Storage

<sup>8</sup>-Agape

<sup>9</sup>-Ludus

<sup>10</sup>-Pragma

و زنان را در نگرش و باور به عشق و سبک‌های عشق مورد بررسی قرار داده اند (اسپریچر و همکاران، ۲۰۰۲). هندریک و هندریک<sup>۱</sup> (۱۹۹۵، ۱۹۸۴) دریافتند که مردان تمایل بیش‌تری به عشق اروتیک و لودیک و زنان تمایل بیش‌تر به سبک عشق پراگما، مانیا و استورگ دارند. دیون و دیون<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) مشاهده کردند که زنان نگرش عملگرایانه به عشق داشته و در مقایسه با مردان بیش‌تر محافظه کار هستند. چینی‌ها و دیگر شرکت‌کنندگان آسیایی در مقایسه با اروپایی‌ها و آنگولایی‌ها نگرش دوست‌گرایانه (عشق استورگ) بیش‌تری نسبت به عشق دارند. هم‌چنین، آنها دریافتند که زنان آسیایی و چینی در مقایسه با زنان آنگولایی نگرش بازیگرانه کمتر و نگرش فداکارانه بیش‌تری نسبت به عشق دارند. اسپریچر و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که مردان آمریکایی در مقایسه با زنان آمریکایی تمایل بیش‌تری به ازدواج بدون عشق دارند و بیش‌تر دارای سبک عشق لودوس و اگیپ و کمتر دارای سبک عشق اروس و پراگما می‌باشند. با این وجود، مردان چینی بیش‌تر از زنان چینی دارای سبک عشق اگیپ و استورگ بودند. بوگی و تزر<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای هیون، سیلوا، کاری و هولن<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) هم نشان دادند مردان دارای سبک عشق اگیپ و زنان دارای سبک عشق پراگما می‌باشند.

از آنجا که یکی از دلایل تمایل به ازدواج عاملی به نام عشق است که به عنوان عامل اصلی ایجاد انگیزه تشکیل خانواده در جامعه می‌باشد و توجه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است، و با توجه به اینکه پدیده عشق و روابط عاشقانه در فرایند ازدواج و انتخاب همسر نقش بسزایی ایفاء می‌کند انجام این پژوهش می‌تواند در مشاوره قبل از ازدواج کارساز باشد. بر اساس آنچه گفته شد هدف این پژوهش مقایسه سبک‌های عشق‌ورزی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های عشق-ورزی (اروس، لودوس، استورگ، مانیا، پراگما و اگیپ) تفاوت دارند؟

### روش

این پژوهش، توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. در این پژوهش، از میان ۱۳۷۰۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز تعداد ۲۸۰ نفر با توجه به جدول کرجسی و مورگان<sup>۵</sup> (۱۹۷۰) به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای برگزیده شدند. در این پژوهش برای انتخاب

<sup>۱</sup>- Hendrick, & Hendrick

<sup>۲</sup>-Dion, & Dion

<sup>۳</sup>-Bugay, & Tezer

<sup>۴</sup>-Heaven, Silva, Carey, & Holen

<sup>۵</sup>-Krejcie, & Morgan

نمونه ابتدا از بین ۱۱ دانشکده ۵ دانشکده انتخاب و در مرحله بعد، از بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد هر دانشکده بر حسب سال ورود به دانشگاه، چهار دوره ورودی (۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵) انتخاب شدند که ۱۲۳ مرد و ۱۵۷ زن بودند. و هم‌چنین، میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۲۱/۴۹ و ۲/۰۲ سال و حداقل و حداکثر سن آنان ۱۸ تا ۲۶ سال بود.

#### ابزار

**فرم کوتاه مقیاس نگرش‌های عشق<sup>۱</sup> (LAS)** این مقیاس به‌وسیله هندریک و همکاران (۱۹۹۸) با هدف بررسی شش نوع سبک عشق نظریه لی که دارای ۲۴ ماده و شش سبک عشق از جمله اروس (عشق پرشور)، لودوس (عشق تفریحانه و بازیگرانه)، استورگ (عشق دوستانه و آرام)، مانیا (عشق غیرمنطقی و وسواسی)، پراگما (عشق عملگرایانه و سازگارانه) و اگیپ (عشق نودوستانه و فداکارانه) می‌باشد، تدوین شده است. هریک از این شش سبک عشق چهار ماده دارند که پاسخ به ماده‌ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱ می‌باشد، هم‌چنین، نمره بالا در هر یک از این خرده مقیاس‌ها نشان‌دهنده همان نوع سبک عشق می‌باشد.

هندریک و همکاران (۱۹۹۸) ضرایب آلفای کرونباخ سبک‌های ششگانه عشق را از ۰/۶۸ تا ۰/۸۷؛ تادوسجیویک، آرانکیک و لیجبین‌کویک<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) از ۰/۵۹ تا ۰/۷۵ و هیون و همکاران (۲۰۰۴) از ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ گزارش داده‌اند. در این مطالعه ضرایب پایایی آلفای کرونباخ در کل نمونه برای شش سبک عشق از ۰/۱۵ تا ۰/۸۰، در دانشجویان زن از ۰/۱۲ تا ۰/۸۰ و در دانشجویان پسر از ۰/۱۴ تا ۰/۸۱ متغیر است. هم‌چنین، روایی همزمان این مقیاس با استفاده از مقیاس ۳۰ ماده‌ای عشق پرشور<sup>۳</sup> هاتقیلد و اسپریچر (۱۹۸۶) برای شش سبک عشق از ۰/۱۰ تا ۰/۴۲ به دست آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>-Love Attitudes Scale Short Form

<sup>۲</sup>-Todosijevic, Arancic, & Ljubinkovic

<sup>۳</sup>-Passionate Love Scale

## یافته‌ها

جدول ۱. مقایسه میانگین‌های دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های عشق ورزی

متغیر	شاخص آماری	دختران (۱۵۷ نفر)		پسران (۱۲۳ نفر)		مقدار t	سطح معنی داری
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
سبک‌های عشق‌ورزی	اروس	۱۴/۶۳	۲/۳۸	۱۴/۵۸	۲/۶۵	-۱/۶۶	۰/۸۶۹
	لودوس	۱۲/۸۸	۲/۹۳	۱۲/۷۸	۲/۷۵	-۰/۳۱	۰/۷۵۸
	استورگ	۱۴/۱۹	۳/۰۰	۱۴/۲۹	۳/۲۲	۲/۶۷	۰/۷۹۰
	پراگما	۱۶/۷۱	۲/۵۵	۱۵/۵۶	۲/۶۱	-۳/۷۰	p<۰/۰۰۱
	مانیا	۱۵/۰۹	۲/۳۸	۱۴/۸۰	۲/۵۲	-۰/۹۸	۰/۳۲۶
	اگیپ	۱۳/۴۹	۲/۴۹	۱۴/۸۵	۲/۹۶	۳/۴۶	p<۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در شرکت‌کنندگان پسر میانگین و انحراف معیار سبک‌های عشق به ترتیب برای سبک عشق اروس، لودوس، استورگ، مانیا، پراگما و اگیپ برابر است با ۱۴/۵۸ (۲/۶۵)، ۱۲/۷۸ (۲/۷۵)، ۱۴/۲۹ (۳/۲۲)، ۱۵/۵۶ (۲/۶۱)، ۱۴/۸۰ (۲/۵۲) و ۱۴/۸۵ (۲/۹۶۷) و هم‌چنین، در شرکت‌کنندگان دختر میانگین و انحراف معیار سبک‌های عشق برای سبک عشق اروس، لودوس، استورگ، مانیا، پراگما و اگیپ به ترتیب برابر با ۱۴/۶۳ (۲/۳۸)، ۱۲/۸۸ (۲/۹۳)، ۱۴/۱۹ (۳/۰۰)، ۱۶/۷۱ (۲/۵۵)، ۱۵/۰۹ (۲/۳۸) و ۱۳/۴۹ (۲/۴۹) می‌باشد. نسبت t مشاهده شده برای سبک عشق پراگما برابر با ۳/۷۰ ( $p < 0/001$ ) معنی‌دار می‌باشد، و بیانگر این است که دختران پراگماتیک‌تر از پسران هستند (۱۶/۷۱ در برابر ۱۵/۵۶). نسبت t مشاهده شده برای سبک عشق اگیپ برابر با ۳/۴۶ ( $p < 0/001$ ) معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر، پسران دارای سبک عشق اگیپ (۱۴/۸۵) بالاتری نسبت به دختران (۱۳/۴۹) می‌باشند. از سوی دیگر، مشاهده شد که بین دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های عشق اروس، لودوس، استورگ و مانیا تفاوت دیده نمی‌شود.

## بحث

نتایج نشان داد که بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری در سبک‌های عشق ورزی وجود دارد. ادبیات پیشین نشان می‌دهد که محققان به نتایج ضد و نقیضی در زمینه تفاوت‌های فردی در سبک‌های عشق دست یافته‌اند. طبق یافته‌های به دست آمده دختران دارای سبک عشق پراگما می‌باشند که با یافته‌های هندریک و هندریک (۱۹۸۴، ۱۹۹۵)، دیون و دیون (۱۹۹۳) و اسپریچر و همکاران (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. این گونه می‌توان بیان کرد، افراد با سبک عشق پراگما، واقع بین و عملگرا بوده و در پی دسترسی به سازگاری در زمینه کیفیت‌های شخصی و اجتماعی می‌باشند و

در انتخاب شریک عاشقانه‌شان ویژگی‌های زمینه‌ای مانند مذهب، تحصیلات و زمینه‌های خانوادگی بیش‌تر مهم می‌دانند تا ویژگی‌هایی مانند جذابیت فیزیکی. این افراد زمانی که بخواهند به شخصی متعهد شوند، محتاطانه و هوشیارانه عمل می‌کنند و معیارشان این است که یک فرد قبل از شروع رابطه باید شایسته آنها باشد. این افراد قبل از اینکه با شخصی صمیمی شوند، می‌خواهند شریک مقابل‌شان را بخوبی بشناسند، آنها می‌خواهند مطمئن شوند که شریک‌شان معیارهای لازم برای روابط متعهدانه را دارد. به‌گونه‌ی کلی، سبک پراگما یک سبک عشق هیجانی و احساسی نیست بلکه بیش‌تر یک سبک عشق منطقی می‌باشد (بلاس و هاهن، ۱۹۹۷).

طبق این ویژگی‌ها تفاوت زنان و مردان در سبک عشق‌ورزی پراگما را می‌توان با دیدگاه تکاملی مورد بررسی قرار داد. به دلیل سطح سرمایه‌گذاری متفاوتی که مردان و زنان در به دنیا آوردن و پرورش فرزندان ایفاء می‌کنند زنان معرف افرادی هستند که سرمایه‌گذاری بیش‌تر و مردان معرف افرادی که سرمایه‌گذاری کمتری انجام می‌دهند، شناخته می‌شوند (جهر، فیرودر، مولیت، اگنابو، مورفی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). به همین دلیل، زنان در انتخاب شریک‌شان روی ویژگی‌های نشان دهنده منابع و معیارهای که نشان‌دهنده شریکی با منابع کافی در جهت حمایت و کمک به فرزندان باشد، تاکید دارند (شوماک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). علاوه بر این، با توجه به تفاوت‌های فیزیکی و تعداد سلول‌های جنسی زن و مرد (تخمندان و اسپرم)، زنان باید منابع بیش‌تری برای تولید فرزند نسبت به مردان به کار گیرند و باید انرژی و منابع قابل توجهی برای بارداری صرف کنند. با توجه به این تفاوت‌ها در تلاش برای بارداری، انتخاب ضعیف برای زنان هزینه بر خواهد بود و آنها تمایل دارند در انتخاب همسر انتخاب‌کننده باشند. اگر زنی انتخاب ضعیفی داشته باشد، در نهایت، ممکن است فرزندش را بدون کمک شریکش تربیت نماید. اما اگر مردی انتخاب ضعیفی داشته باشد، سرمایه‌گذاری زیادی انجام نداده است. بنابراین، طبق این دیدگاه از آنجا که زنان سرمایه‌گذاری بیش‌تری انجام می‌دهند پراگماتیک بودن زنان تبیین می‌شود.

یافته دیگر نشان داد که پسران دارای سبک عشق آگپ می‌باشند که با یافته‌های اسپریچر و همکاران (۲۰۰۲)، وان، لوک و لی<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)، بوگی و تزر (۲۰۰۸) و هیون و همکارانش (۲۰۰۴) همسو و با نتایج پژوهش هندریک و هندریک (۱۹۸۴، ۱۹۹۵) و دیون و دیون (۱۹۹۳) همسو نمی‌باشد. با توجه به نتایج ضد و نقیضی که در فرهنگ‌های گوناگون به دست آمده است می‌توان بیان کرد که جامعه، فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی یکی از مهمترین عامل‌هایی هستند که می‌توانند

<sup>۱</sup>-Geher, Fairweather, Mollette, Ugonabo, Murphy, et al.

<sup>۲</sup>-Shoemak

<sup>۳</sup>-Wan, Luk, & Lai



تفاوت‌های جنسی در سبک‌های عشق‌ورزی را تحت تاثیر قرار دهند. مطالعات متعددی به بررسی تفاوت‌های فرهنگی پرداخته‌اند. طبق نتایج پژوهش وان و همکاران (۲۰۰۲) و هیون و همکاران (۲۰۰۴) برخلاف جوامع غربی چون سبک عشق اروس و لودوس در فرهنگ چینی به عنوان رفتار ضد اجتماعی تلقی می‌شود، مردان چینی بیش‌تر دارای سبک عشق اگیپ می‌باشند. از سوی دیگر، تفاوت در سبک عشق ورزی اگیپ بین مردان و زنان با نقش‌های فرض شده اجتماعی متفاوت آنها در جامعه مرتبط است. بر طبق نظریه نقش‌های اجتماعی<sup>۱</sup> معیارهایی که مردان و زنان در روابط عاشقانه به کار می‌گیرند، منعکس کننده مسئولیت و تعهد دوسویه یا واگرایی است که در نقش‌های اجتماعی حاضر و گذشته‌شان شکل گرفته و یا در یک نظام خانوادگی مبنی بر نقش مرد به عنوان مهیا کننده<sup>۲</sup> (رزاق) و زن به عنوان خانه‌دار<sup>۳</sup> نهفته است (خالد، ۲۰۰۵). چرا که با توجه به ویژگی‌های سبک عشق اگیپ و بر طبق نظریه نقش این تفاوت ممکن است از تجربه‌های اولیه (دوران کودکی) و نقش‌های جنسی آموخته شده ناشی شود، در جامعه ایرانی از کودکی به فرزندان پسر آموخته و یاد داده شده است که مرد نان‌آور خانواده می‌باشند و مسئولیت زندگی را بر عهده گرفته و خود را در رنج و زحمت قرار می‌دهند تا خانواده در آسایش و راحتی به سر برد.

جامعه آماری پژوهش گروه خاصی از جامعه، یعنی دانشجویان می‌باشند، لذا امکان تعمیم نتایج به کل جامعه با محدودیت روبرو است. نظر به اینکه تحقیقات کمی در زمینه نگرش افراد نسبت عشق انجام شده است، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آینده به بررسی این متغیر در میان زوج‌ها پرداخته شود، تا بتوان تبیین‌ها و نتیجه‌گیری‌های بهتری در این زمینه به عمل آورد. از طرف دیگر، از آنجا که امروزه خواست و علایق طرفین ازدواج، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و ازدواج‌ها بیش‌تر بر اساس روابط عاشقانه و بدون دخالت مستقیم خانواده انجام می‌شود پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان خانواده و ازدواج و مراکز مشاوره دانشگاهی و نهادهایی که با جوانان سر و کار دارند، یافته‌های این پژوهش را مورد استفاده قرار داده و در نهایت به جوانان آگاهی‌های لازم در زمینه ازدواج هوشمندانه داده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup>-social role theory

<sup>2</sup>-provider

<sup>3</sup>-homemaker

## منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- صادقی، میرمحمد مهدی (۱۳۸۴). *ازدواج و آموزش پیش از ازدواج*. ویراست دوم، تهران: دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، معاونت امور فرهنگی، سازمان بهزیستی کشور.
- مصلحتی، حسین (۱۳۸۳). *ازدواج و ازدواج درمانی*. نشر البرز.
- Acevedo, B. P., & Aron, A (2009). Does a long term relationship kill romantic love? *Review of General Psychology*, 13, 59-65.
- Blass, J., & Hahn, T (1997). Dating partner preference a function similarity of love styles. *Journal of Social Behavior and Personality*, 12, 595-610.
- Bugay, A. & Tezer, E., (2008), Attachment Styles and Loving Attitudes Among Turkish University Students. *"Persons, Intimacy & Love: Probing the Boundaries 2nd Global Conference Papers"*
- Dgikic, M., & Oatley, K (2004). Love and personal relationships: navigating on the border between the ideal and the real. *Journal for the Theory of Social Behavior*, 34, 199-209.
- Dion, K.L., & Dion, K. K (1993). Gender and ethnocultural comparisons in styles of love. *Psychology of Women Quarterly*, 17, 463-473.
- Fowler, A. C (2007). Love and marriage. through the lens of sociological theories. *Journal Of The Sociology Of Self-Knowledge*, 2, 61-72.
- Geher, G., Fairweather, K. Mollette, N., Ugonabo, U., Murphy, J. W., & Wood, N (2007). Sex differences in responses to cues of parental investment: an evolutionary social psychological perspective. *Journal of Social, Evolutionary, and Cultural Psychology*, 1, 18-34.
- Griffin. S. A (2006). *A qualitative inquiry into how romantic love has been portrayed by contemporary media and researcher*. Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of the Ohio State University.
- Hatfield, E., & Sprecher, S (1986). Measuring passion love in intimate relationship. *Journal Of Adolescence*, 9, 384-410.
- Heaven, P. C., Silva, T. T., Carey, C., & Holen, J (2004). Loving styles: Relationship with personality and attachment styles. *European Journal of Personality*, 18, 103-113.
- Hendrick, C., Hendrick, S. S., & Dicke, A (1998). The love attitude scale: short form. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15, 147-149.
- Hendrick, S., & Hendrick, C (1984). Do men and women love differently? *Journal of Social and Personal Relationship*, 1, 177-195.
- Hendrick, S., & Hendrick, C (1995). Gender differences and similarities in sex and love. *Personal Relationships*, 2, 55-65.

- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30, 607-610.
- Khallad, Y (2005). Mate selection in Jordan: effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 155-168.
- Shoemaker, E. G (2007). Human mate selection theory: an integrated evolutionary and social approach. *Journal of Scientific Psychology*, 50, 11-27.
- Sprecher, S., & Toro-Morn, M (2002). A study of men and women from different sides of earth to determine if men are from Mars and women are from Venus in their beliefs about love and romantic relationships. *Sex Roles*, 46, 131-147.
- Todosijevic, B., Arancic, A., & Ljubinkovic, S (2004). Love Attitude Scale: Results of Initial Application in Yugoslavia. *Pedagoška stvarnost*, 3-4, 305-324.
- Wan, W. N., Luk, C. L., & Lai, C. L. (2000). Personality correlates of loving styles among Chinese students in Hong Kong. *Personality and Individual Differences*, 29, 169° 175.



